

## حضرت مهدی موعود(عج) از نگاه صدر المتألهین



آن‌گاه که حضرت مهدی علیه‌السلام ظهور فرماید، آن‌چه حاکم بر امت اسلامی خواهد شد، کشف صحیح مطابق با واقع خواهد بود. در اسلام، تمامی مذاهب برداشته می‌شود و به حکم واحد امام معصوم - که واجب‌الاتباع جملگی است - در صراط واحد قدم برمی‌دارند.

آن‌گاه که حضرت مهدی علیه‌السلام ظهور فرماید، آن‌چه حاکم بر امت اسلامی خواهد شد، کشف صحیح مطابق با واقع خواهد بود. در اسلام، تمامی مذاهب برداشته می‌شود و به حکم واحد امام معصوم - که واجب‌الاتباع جملگی است - در صراط واحد قدم برمی‌دارند.

اشاره: مرحوم صدر المتألهین رضوان الله علیه، از اعلام بزرگ اسلام و از تواناترین مدافعان راستین سنت الهی و نبوی بوده اند. ایشان، در شرح بر کافی، نکات دقیق و گره‌گشایی را در ذیل احادیث باب امامت، درباره حضرت مهدی (عج) دارند. وی، ((انسان معصوم)) را علت پیدایش خلقت و عامل تداوم آن می‌داند و می‌گوید: جهان، به سبب وجود خاتم الاولیاء علیه‌السلام است که برپا است و روی عدالت جهانی را خواهد دید. نوشتار حاضر، بررسی و شرحی بر چند نکته از نکات گران سنگ ایشان درباره امامت است. مرحوم قدوه الموحیدین و رئیس المحققین، صدرالدین محمد شیرازی، از اعلام بزرگ اسلام و از تواناترین مدافعان راستین سنت الهی و نبوی بوده اند. وی، جامع علوم شریعت اسلام و حاوی فنون معارف قرآنی است. این رجل الهی، به هر نقطه سر بسته که توجه کرده، گره‌گشا بوده و به هر سو که قلم او رقم زده، ابتکار و اکتشاف حقائق معرفتی باریده است. ایشان، در زمینه اثبات امامت، در جای جای کتب عمیق و دقیق‌اش، درخششی منحصر به فرد دارد. در شرح اصول کافی فصلی را به نام ((إِنَّ الْحُجَّةَ لَتَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ)) گشوده است. منظور ایشان، این است که خدای تعالی دستورها و فرمان‌های بسیاری را به وسیله قرآن کریم فرستاده است ولیکن همه این دستورها و فرمان‌ها آن‌گاه الزام آور است و بر مردم عمل به آن‌ها حتم و لازم است که در کنار قرآن کریم، عالم آگاه معصوم از طرف خدای متعال نصب شده باشد؛ زیرا، کسی می‌تواند حجت بر مردم باشد و قول و فعل او، اسوه آنان و اتباع و پیروی از او، ضروری و حتمی باشد، که اولاً احتمال پیدایش خطا و اشتباه و غلبه هواهای نفسانی بر او محال باشد. و ثانیاً، عالم و آگاه به عوالم مختلف هستی، عالم مثال و برزخ و قیامت و... باشد و نیز دارای کرامت‌های خارق‌العاده باشد، و راه‌های نجات از عذاب قیامت و خلاصی از مکاید شیطان را بداند و بر اسرار قرآن و متشابهات و محکمت قرآن، عالم، و ناسخ و منسوخ آیات را بداند و رابطه متصل بین زمین و آسمان را حفظ کند، و با منطق وحی و فرشتگان، آشنا باشد و به رموز باطن و ظاهر عالم، آگاهی مطلق داشته باشد، و طریق بندگی و عبادت صحیح و خداپسند را بشناسد و تناسب عبادت را با روح انسان و با عوالم پس از این جهان بداند و با مقام قرب به حضرت إله عالم، به خوبی، آشنا باشد. چنین رهبر معصومی، همانند مدعیان بی خبر از راه و رسم هدایت بشری نیست که: ((یعلمون ظاهراً من الحیاه الدنیا و هم عن الآخرة هم غافلون)). پس اگر چنین رهبر معصومی در کنار قرآن نباشد، قرآن، به تنهایی حجت بر بندگان خدا نیست؛ زیرا جز معصومان، آگاهی به اسرار و رموز قرآنی، نداشتند و ندارند. پس قرآن، حتماً، قرین و عدل خود را که امام معصوم علیه‌السلام است، باید در کنار داشته باشد. به همین جهت است که شیعه و سنی، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که آن حضرت فرمود: ای تارک فیکم الثقلین: کتاب الله و عترتی و لن یفترقا حتی یردا علی الحوض... در روایت چهارم همین فصل، آمده است که: قال أبو عبدالله علیه‌السلام: الحجة قبل الخلق و مع الخلق و بعد الخلق...؛ یعنی، ائمه علیهم‌السلام از طرف خدا، قبل از خلق خلائق، حجت بوده اند و همراه با آنان نیز حجت اند و پس از انقراض عالم نیز حجت هستند. ایشان، در توضیح این روایت پر بار و سنگین می‌فرماید: خدای متعال، نظام هستی را برای پیدایش نفوس کامل و ذوات عالی و انوار شامخ آفرید و اراده اولیه از پیدایش جملگی نظام صنع، آن است که در خط استکمال و تمامیت وجودی آن بزرگواران قرار گیرند. البته، از آثار وجودی آن بزرگواران نیز هدایت بشری و راهنمایی نسل آدمی، بلکه تقلید است و این، خود، نکته ایست که از دقیق ترین مسایل کلام و فلسفه الهی شمرده می‌شود؛ زیرا، عقل قطعی، حاکم است که هرگز، پر ارزش‌ترین و گران‌بهارترین موجود در عالم، نباید خرج موجودات کم ارزش گردد. به دیگر بیان، عالی ترین، نباید خرج سافل و پست گردد؛ زیرا، چنین روشی، قطعاً غلط است. اگر آنان، مأمور به هدایت خلق و مکلف به تکالیف بسیار مشکل نبوت می‌گردند، قبل از آن که مردم از رنج و زحمت آنان استفاده کنند و به سوی هدف و صراط مستقیم هدایت شوند، خود آنان، به وسیله همان تکالیف، تا عالی ترین درجات قرب الهی صعود می‌کنند. آن‌چه را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اولاد معصوم او، از تکالیف و دستوره‌های بسیار مشکل نبوت و امامت استفاده کرده اند، نسبت به آن‌چه نصیب امت آنان شده، همانند نسبت بی نهایت با متناهی است. بر این اساس، ذات آن بزرگواران، قبل از خلق و بعد از خلق، همواره، غرض از خلقت عالمیان و حجت و دلیل بر اصل ایجاد بوده اند. به دیگر بیان، آن بزرگواران، علت نهایی نظام صنع هستند که بدون آنان، خدای متعال، دست به ایجاد هستی نمی‌زد. به همین دلیل است که در زیارت جامعه کبیره آمده است: ((بکم فتح الله و بکم یختم))؛ نیز مرحوم صدر المتألهین، در ((باب حجت)) شرح اصول کافی، فصل دیگری را منعقد فرموده به نام ((باب أَنَّ الْأَرْضَ لَاتَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ)) در حدیث یکم این باب، ابن ابی عمیر، از حسین بن ابی‌علاء نقل می‌کند که از امام صادق علیه‌السلام سؤال می‌کند: ((تکون الارض لیس فیها إمام؟ قال: لا))؛ ((آیا امکان دارد که زمین، خالی از امام باشد؟ در جواب فرمودند: ((ممکن نیست.)) در شرح این حدیث، مرحوم صدر المتألهین فرموده است: اتفاق سلف و خلف، بر آن است که پس از هر پیامبری، جانشینی لازم است و محال است که پس از درگذشت پیامبر، برای او، جانشینی تعیین نگردد. اگر چه در کیفیت نصب جانشین، اختلاف است که آیا به دست مردم است یا خدای تعالی باید نصب فرماید. ملاصدرا، به طور مفصل، وارد جریان تاریخ خلفا گردیده و شرح حال نسبتاً مفصلاً از فساد و تباهی‌های دستگاه بنی امیه را ارائه داده و می‌گوید، آیا اینان هستند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ((مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیْتَةً جَاهِلِیَّةً)) آیا نشناختن امثال معاویه و ولید خنجر و یزید قمار باز و دائم الخمر و مروان حمار، موجب مرگ جاهلی است؟ این فکر، نه تنها غلط است بلکه اعتقاد به آن، شرم آور است. نیز، در صفحه 462 همان کتاب، روایت دیگری را نقل کرده است که امام صادق علیه‌السلام فرمود: ((لو بقیت الأرض بغير إمام لساخت)) زمین، بدون امام، قرار نخواهد گرفت. او، در شرح این حدیث، به نکته دقیقی اشاره فرموده که در صفحات پیشین نیز یادآوری شد. می‌فرماید، غرض از خلقت و ایجاد صنع، برخاستن انسان‌های کامل است که سلطان راستین دستگاه آفرینش و خلیفه الله فی الأرض باشند. تمامی مقدمات وجود انسان، از حرکات افلاک تا تلاش جمیع ملائکه الله، جملگی، در سمت و سوی پیدایش آن بزرگ شخصیت‌های هستی حرکت می‌کنند و آنان، علت غایی عالمیان هستند و معلوم است که با فقد علت، معلول، قطعاً، منتفی است؛ یعنی، اگر ارواح طیبیه‌ی امامان معصوم علیهم‌السلام، در عرصه وجود، ظاهر نگردند، هرگز در بنای هستی، خشتی بر خشت دیگر استوار نگردد. پس هم اکنون، وجود امام معصوم، حتمی و قطعی است و خورشید تابان امام دوازدهم علیه‌السلام، نابودی و عدم را بر جهان و جهانیان، مهار فرموده و یکی از برکات وجودی آن حجت کبری خدا، بقای نظام جهان است. نیز ملاصدرا در شرح اصول کافی، ج 1، ص 556، از امام صادق علیه‌السلام روایتی دیگر نقل می‌کند. ابن ابی‌یعفور از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که امام صادق علیه‌السلام فرمود: ((إِذَا قَامَ قَائِمَانِ وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَّلَتْ بِهَا أَعْلَامَهُمْ))؛ (یعنی، هرگاه امام مهدی قیام فرماید، خدای تعالی، دست خود را بر سر بندگان گذارد و عقول و فهم آنان را کامل گرداند.)) ایشان، در توضیح آن روایت می‌فرماید: امام عصر، حضرت مهدی، علیه‌السلام همین زمان، حاضر و موجود و حی است ولی از نظر ما غایب و پنهان است. اگر لقب آن حضرت را ((قائم)) قرار داده اند، بدان جهت است که او هرگز، به صورت پیر و کهنسال از کار افتاده نیست و مریض نمی‌شود و پیامدهای روزگار، او را تحلیل نمی‌برد و تغییرات جهانی در او تغییری به وجود نمی‌آورد و موت و هلاکت، عارض او نخواهد بود. نیز باید دانست که روح آن امام معصوم علیه‌السلام هرگز جدای از بدن او نیست و امام زمان علیه‌السلام دارای حیات جسمانی، همانند دیگر مردمان است. او غذا می‌خورد و می‌خوابد و مانند دیگران، سخن می‌گوید و دارای حرکت و سکون و جلوس است و می‌نویسد و می‌خواند. کمیل، از امام مؤمنان و امیر البیان علیه‌السلام نقل کرده که فرمود: ((صحبوا الدنیا یأبدان أرواحها معلقه بالملأ الاعلی أولئک خلفاء الله فی أرضه و الدعاه إلی دینیه.)) آن، امامان معصوم، به دنیا آمده و در این دنیا، همانند دیگران، دارای حیات جسمانی هستند، ولی روح آنان، به عالم عالی و فوق این جهان مادی، مرتبط است. آنان، خلفای خدای و نگاه دارندگان دین در زمین هستند و مردم را بدان سوی می‌خوانند. مرحوم صدر المتألهین اضافه فرموده که زندگی حضرت ولی عصر علیه‌السلام در این سیاره زمین، همانند بقای حضرت

عیسی در آسمان است که هرگز کسی نتواند در طول عمر آن بزرگوار، به خود شک راه دهد؛ زیرا، این توهّم، از ضعف ایمان و نبود معرفت به چگونگی زندگی آن امام معصوم علیه السلام خواهد بود. اما معنای روایت که فرمود، ((إِذَا قَامَ قَائِمًا)) به معنای خروج و ظهور آن بزرگوار است، و این امر، قطعی و حتمی است، به طوری که اگر در دنیا، بیش از یک روز باقی نباشد، در آن روز، حتماً، ولی عصر، عجل الله فرجه الشریف، ظهور خواهد فرمود. عدد روایات، در این مسأله، از حدّ تواتر گذشته و از ضروریات مذهب حق، شیعه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله است. در کتب مخالف و موافق، به این حادثه‌ی عظیم جهانی، تصریح شده است. او، سپس، در دنباله‌ی این کلام، به نقل گفتار مفصلی از محی الدین عربی، که شیخ بهایی آن را در اربعین خود آورده، پرداخته است. در بین کلمات محی الدین عربی، این چند بند شعر است که خود محی الدین انشاء فرموده است: **أَلَا إِنَّ خَتَمَ الْأَوْلِيَاءِ شَهِيدُو عَيْنِ إِمَامِ الْعَالَمِينَ قَقِيدُو السَّيِّدِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ أَحْمَدِ هُوَ الصَّارِمُ الْهِنْدِيُّ حِينَ يَعْبِدُهُو الشَّمْسُ يَجْلُو كُلَّ غَيْمٍ وَظَلْمَهُو الْوَابِلُ الْوَسْمِيُّ حِينَ يَجُودَايَ مَرْدَمِ جِهَانِ! آگاہ باشید خاتم الأولیاء، امام زمان، هم اکنون شاهد بر ما است، اگر چه وجود آن حضرت، میان ما ظاهر نیست. آن آقای بزرگوار، همان مهدی آل محمد صلی الله علیه وآله است. او، همان شمشیر بزان است آن‌گاه که ظهور کند. او، خورشیدی است که به هنگام ظهور، هر ابرو ظلمتی را می‌زداید. او آن‌گاه که بر عالمین ظاهر شود، همانند باران بسیار پر آب و فراوانی است که برکاتش بر تمامی عالم جاری خواهد بود. سپس مرحوم صدر المتألهین قدس سره، فصلی را به نام ((هدایه حکمیّه)) باز فرموده و از فتوحات محی الدین عربی، باب 355، نقل می‌کند که ما، به هنگام زندگی، خود را در این جهان، چنان یافته ایم که به صورت عادی زندگی کرده و از همین زمین که بدن ما از آن نشأت یافته، ارتزاق می‌کنیم و توهّم کرده ایم که یگانه راه ادامه زندگی، همین است. ولی نمی‌دانیم که خدایی که میان بدن و این غذاها و روابط دیگر زندگی، نسبت‌هایی برقرار کرده، می‌تواند طور دیگری، اولیای خود را نگه دارد که آثار حیات و حرارت بدن و قدرت بازوی او را همچنان نیرومندتر نگه بدارد و نه چنین است که هر چه را ما ندانیم، او نیز نتواند. نعوذ بالله من جهلنا العظیم. خدای تعالی، در این عالم، یک سلسله علل و اسباب ظاهری را آفرید، ولی علل و اسباب خفی و باطنی نیز بسیار دارد که فقط برخی از اولیای خود، نوری عطا فرمود تا بتوانند پرده‌های ظاهری این علل و اسباب را کنار زنند و در حدّ همان نور؛ در ظلمات این علل و اسباب حرکت کنند و تو، هرگز، طمع در آن چه برای تو میسر نیست، نکن که اسرار، بر همه کس جز آن که خدا بخواهد، بسته است. دقت کن که بدن ما، چگونه از هوا ارتزاق می‌کند، به طوری که اگر ظاهر بدن را مسدود کنند و رابطه‌ی هوا را با بشره بدن قطع کنند، انسان، قدرت بقا نخواهد داشت. پس گمان نباید کرد که روزی خواری، فقط همان خوردن غذا و نوشیدن آب است. سپس مرحوم صدر المتألهین به شرح باقی حدیث شریف پرداخته و می‌فرماید، ((وضع الله یدیه علی رؤوس العباد)) معنایش آن است که گاهی خدای تعالی، از وسایط فیض خود تعبیر به ((ید)) فرموده است و او، به واسطه همان وسایط، کارهای این عالم را سامان می‌بخشد. معنای ((رؤوس العباد)) عقول و فهم آنان است که خدا به وسیله تعلیم و تعلم و اشتغال به تحصیل عقول آنان را رشد می‌دهد و به عقول آنان، حدس‌های قویّی به سبب الهام جناب حق، اضافه می‌گردد، به طوری که آماده دریافت تعلیم و تربیت حضرت مهدی علیه السلام می‌گردند. مسلم است که نفوس انسانی، از زمان حضرت آدم تاکنون، به تدریج، رشد یافته و لطافت و صفای عقلانی بنی آدم، همیشه، رو به رشد است. زیرا، نظام تربیتی حضرت ولی عصر علیه السلام چنان است که نیاز به استعدادهای فراوان دارد. نیز، مرحوم ملاصدرا، در جلد ششم تفسیر خود، صفحه 298، ذیل فصلی که به عنوان ((مکاشفه)) باز فرموده، می‌گوید، از آیه بیست و هفتم سوره حدید، معلوم است که ستّ غیر قابل تخلف الهی، بر آن است که هیچ زمانی، زمین، از حجت خدا بر خلق، خالی نیست و قیام حجت، از زمان آدم (ع) تا زمان خاتم و پس از رسول خاتم صلی الله علیه وآله به وسیله اولاد معصوم دوازده گانه اش علیهم السلام، برقرار است. اکنون، زمین و زمان، در حریم امن و امان حضرت ولایت ختمی، مهدی موعود علیه السلام، که ختم این سلسله ((حجج الله علی خلقه)) است، باقی و برقرار است. نیز در صفحه‌ی 299 از نهج البلاغه، از امیرمؤمنان نقل می‌فرماید که امیرمؤمنان علیه السلام به کمیل بن زیاد فرمود: ((اللهم بلی لاتخلو الأرض من قائم لله بحجه، ظاهراً مشهوراً، أو مستتراً مغموراً، لأنّ لاتبطل حجج الله و بیئاته. و این اولنگ اولنگ و الله! الاقلون عدداً الأعظمون خطراً - إلی ان قال - اولنگ خلفاء الله فی أرضه و الدعاة الی دینه. آه! آه! شوقاً الی رؤیتهم))؛ (البته، چنین است که زمین، از حجت قائم خدا، هرگز، خالی نیست، چه ظاهر باشد و یا پنهان، زیرا، باید حجت و دلیل، بر مردم تمام باشد. راستی، کجا بندگان آن اولیای خدا که تعدادشان بسیار کم و مقام و عظمت آنان، بسیار بزرگ است؟- تا آن‌جا که فرموده - آنان، خلفا و داعیان دین الهی در زمین هستند. آه! آه! که بسیار در آرزوی شوق دیدار آنان هستم.)) سپس مؤلف کتاب گوید، از این حدیث جلیل، چند نکته به دست آید: 1. آبادانی زمین و وجود انسان‌ها و سایر کاینات، به طفیل وجود انسان کامل و ربّانی است. 2. ضرورتی نیست که آن ولی تام و کامل، ظاهر باشد، بلکه چه بسا او مستور و از دیده‌ها مخفی باشد. 3. سپس از فتوحات محی الدین عربی، عبارتی بسیار شگفت آور نقل می‌کند. ایشان، در باب 366 فتوحات گوید: ((إنّ لله خلیفه ینخرج من عتره رسول الله من ولد فاطمه، علیها السلام. اسمهُ اسمُ رسول الله صلی الله علیه و آله و جدّه حسین بن علی علیهما السلام یُتابع بین الرکن و المقام))؛ خدا، خلیفه‌ای دارد، که از عترت رسول الله و از اولاد فاطمه است و جدّ او، حسین بن علی است. مردم، در میان رکن و مقام، با او بیعت می‌کنند. محی الدین، اوصافی را از حضرت ولی عصر علیه السلام نقل می‌کند که درست، همانند عقاید صحیح شیعه است. این مبحث، در فتوحات، بسیار مفصل است و شیخ بهایی در کتاب اربعین خود، ملخص آن را بیان کرده است. اما تأسف آور آن که در چاپ‌های اخیر فتوحات، این مطلب، حذف شده است که این‌گونه دست‌های خائن، در تاریخ، بسیار بوده است. مرحوم آخوند ملاصدرا، در مفاتیح الغیب، صفحه 485، المشهد الثانی فی باطن النبوه و ظاهره)) بحث بسیار جالبی را طرح فرموده است که در قسمت آخر آن، ص 487، می‌فرماید: آن‌گاه که حضرت مهدی علیه السلام ظهور فرماید، آن‌چه حاکم بر امت اسلامی خواهد شد، کشف صحیح مطابق با واقع خواهد بود. در اسلام، تمامی مذاهب برداشته می‌شود و به حکم واحد امام معصوم - که واجب الاتباع جملگی است - در صراط واحد قدم بر می‌دارند. در آن زمان، اجتهاد هیچ مجتهدی حجت نیست، همانند زمان رسول الله که فقط رأی حضرت خاتم النبیین، صلوات الله علیه و آله، حاکم بود؛ زیرا، امام معصوم، صلوات الله علیه، آن‌چه را که در علم حضرت حقّ متعال، جلّ جلاله است، یافته و همان را بر مردم ابلاغ می‌فرماید و آن‌گاه است که احکام جاری در میان مردم، صریح لوح محفوظ بوده و همگان با حقیقت‌ها و واقعیت‌ها، زندگی خود را می‌گذرانند. نویسنده گوید، آن‌چه از ارتباطات وسیع جهانی و کثرت نشریات و تأسیس دانشگاه‌ها و پژوهش‌کده‌ها و حوزه‌های علمی، اکنون شاهد و ناظر هستیم، جملگی، در جهت رشد سریع انسان‌هاست، و خدای متعال، برای بازسازی بشر و آمادگی او برای تحمّل هدایت ویژه الهی، در این قرن، وسائل لازم را از کمون طبیعت بیرون کشیده و جملگی را در معرض استفاده عموم قرار داده است و این واقعه عظیم، از مهم‌ترین علایم و عجیب‌ترین نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام و پیدایش دولت حق و غلبه دین الهی بر تمام توطئه‌های شوم ابلیس‌های روزگار خواهد بود. ان شاء الله. آیت الله حسن ممدوح‌ماهانامه انتظار موعود - شماره 5**